

بررسی رابطه مؤلفه‌های تأثیرگذار بر میزان تعاملات اجتماعی در محلات پرتراکم (مورد مطالعه: محله اسپه کلا شهر آمل)

فرزین محمودی پاتی^۱

زهرا بلوری^۲

چکیده

رشد فزاینده ابعاد شهرنشینی و شکل‌گیری مقیاس‌های جدیدی از رشد شهری در طی چند سال اخیر موجب شده که شهر و شهرسازی معاصر با چالش‌های نوینی مواجه گردد به طوری که مطالعات در حوزه‌های اجتماعی در سال‌های اخیر اهمیت به‌سزایی یافته است. مسئله‌ای را که این پژوهش در پی آن است، بررسی رابطه مؤلفه‌های تأثیرگذار بر میزان تعاملات اجتماعی هست. روش تحقیق حاضر از نوع توصیفی - تحلیلی است و از نظر هدف، کاربردی هست. جامعه آماری مورد بررسی، ساکنین محله اسپه کلا (شهر آمل) با ۱۷۷۳ خانوار هست که از این میان ۳۷۵ خانوار با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. پایایی مقیاس اصلی پرسشنامه با محاسبه آلفای کرونباخ ۰/۸۴۹ به دست آمد و تجزیه و تحلیل اطلاعات از طریق معادلات ساختاری برای ارزیابی علی و بررسی پایایی و روایی مدل انجام گرفت. نتایج حاصل نشان می‌دهد که مؤلفه‌های ساختار کالبدی فضا و ادراک محیطی و میزان تعاملات اجتماعی باهم رابطه دارند علاوه بر روابط فوق، رابطه ساختار اجتماعی - فرهنگی و سیاسی و ساختار کالبدی فضا با میزان تعاملات اجتماعی با میانجی‌گری ادراک محیطی تأیید گردید.

۱- استادیار دانشکده هنر و معماری دانشگاه مازندران

۲- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جغرافیا برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)

کلمات کلیدی: تعاملات اجتماعی، ادراک محیطی، ساختار فرهنگی و اجتماعی - سیاسی و ساختار کالبدی فضا، محله اسپه کلا (شهر آمل).

مقدمه

شهرنشینی همواره تحت تأثیر نگرش فلسفی به همراه طرح و برنامه‌های خاصی قرار می‌گیرد. جنبش مدرنیسم^۱ در شهرسازی در اوایل قرن ۲۰ به وجود آمد و بر پایه خرد و قدرت تکنولوژی استوار بود. در همین راستا برنامه‌ریزی شهری با تکیه بر قدرت تکنولوژی به سمت شهرسازی ماشینی روی آورد اما شهر حاصله از تمدن مدرن حدود یک قرن دچار مشکلاتی گردید (پارسی پور و توانا، ۱۳۹۲: ۵۷). در راستای کاهش معضلات به وجود آمده، برنامه ریزان شهری خیلی زود و در پی تغییر پارادایم از مدرنیسم به پست‌مدرنیسم^۲ و اعتقادشان از آرمان شهرهای مدرنیسم که به رشد افقی شهر و تغییر شکل شهر فرصت داد و منجر به پیدایش شهرهایی با منطقه بندی در محل سکونت، تفریح و کار از طرف دیگر بود برگشت (پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۰). در پی ظهور پست‌مدرنیسم، پارادایم توسعه پایدار در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ میلادی به‌عنوان قابل‌قبول‌ترین رهیافت در مقابل توسعه ناموزون شهری، در نظر گرفته شده که همگی متأثر از پارادایمی بود که بعد از دهه ۷۰ مبنی بر توسعه درون‌زا شکل گرفت، لازم به ذکر است که توسعه پایدار^۳ توسعه درون‌زا و نظام‌مند و متعادل است (زنگی‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۳۳). بحث توسعه درون‌زا اولین بار در کنفرانس Habitat در سال ۱۹۷۶ در کانادا مطرح شد (داداش پور و همکاران، ۱۳۹۳: ۶۵) و سه سال بعد مفهوم توسعه میان افزا برای اولین بار در سال ۱۹۷۹ توسط انجمن املاک و مستغلات آمریکا رسماً تعریف شد. این نگاه جدید منجر به شکل‌گیری جنبش‌هایی شد که رشد هوشمند^۴، نوشهر‌گرایی^۱، شهر فشرده^۲ و... از نمونه‌های آن‌ها است که همگی از مبدأ

۱. Modernism.

۲. Postmodernism.

۳. Sustainable Development.

۴. Smart Growth.

مشترکی منتج شده و بروز و ظهور یک مفهوم اصیل به نام توسعه درون‌زا است و به‌نوبه خود بر تکامل مفهوم توسعه میان افزا مؤثر واقع شد (شریفیان، ۱۳۸۹: ۴۸). جملگی به‌عنوان پاسخ‌های انتقادی برای تداوم مشکلات توسعه پراکنده و نتایج منفی آن به وجود آمده است (کیانی و رئیسی، ۱۳۹۶: ۲۶۴). توسعه میان افزا و به‌ویژه بازیافت زمین و توسعه مجدد به‌عنوان رویکردهایی کارا می‌تواند (نسترن و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۸۱)، سرمایه‌گذاری برای تجدید حیات مراکز شهرها را افزایش داده و به‌عنوان ابزاری برای محافظت از منابع محیطی، سرمایه‌گذاری اقتصادی و محافظت از پیکره اجتماعی است (مشکینی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۰۲)؛ با توجه به لزوم دستیابی به توسعه شهری در همه ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی که باید به‌طور هماهنگ به منصف ظهور برسد، توجه صرف به مقوله افزایش تراکم شهری به‌تنهایی به‌منظور جوابگویی به مشکلات، نگاهی با مختصات کمی بوده و کیفیات در آن نادیده انگاشته می‌شود یعنی تغییراتی که در سطوح تراکم برای رفع نیازهای ساکنان شهر در زمینه مسکن به عمل می‌آید بایستی شهر از نظر زیست‌محیطی قابل سکونت و زندگی، از نظر اقتصادی بادوام و از نظر اجتماعی به‌هم‌پیوسته نگه دارد (سلیمانی مهرنجانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۹). به‌طوری‌که آنچه شهرهای ایران از جمله آمل با آن روبرو شده پدیده رشد کمی بوده که بحث کیفی (تعادل در بخش‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی) آن کمتر قابل مشاهده است. از آنجاکه بحث و پژوهش در همه‌ی ابعاد از توان این نوشتار خارج است محوریت پژوهش را بر بعد اجتماعی شهر و مسئله افزایش تراکم شهری شهر آمل قرار داده؛ بنابراین هدف تحقیق، بررسی رابطه پارامترهایی که می‌تواند بر میزان تعاملات اجتماعی در این محله اثرگذار باشد است. پژوهش‌های گوناگونی در مورد مطالعه محیط کالبدی و همچنین درک تعامل میان مردم و محیط ساخته‌شده از سوی افراد مختلف انجام گردیده است. محمدی و آیت‌اللهی (۱۳۹۳)، در تحقیقی تحت عنوان عوامل مؤثر در ارتقای اجتماع‌پذیری بناهای فرهنگی بررسی موردی: فرهنگسرای فرشچیان اصفهان با استفاده از روش مصاحبه و مشاهده و تحلیل نتایج آن از

1. New Urbanism.

2. Compact City.

طریق نقشه‌های رفتار فضایی که انجام شد؛ نتایج تحقیق مشخص کرد تأثیر عوامل کالبدی - فضایی در اجتماع‌پذیری در دو حالت نقش دارد یکی باقابلیت مستقیم که امکان وقوع فیزیکی رفتارهای تعاملی میان فردی را در فضا ممکن می‌سازد و دیگری باقابلیت غیرمستقیم که به‌عنوان عاملی ادراکی و معنایی، با ایجاد تصاویر روابط اجتماعی بین استفاده‌کنندگان را تعریف و تسهیل می‌کند. بهزاد فر و طهماسبی (۱۳۹۲)، با پژوهشی تحت عنوان شناسایی و ارزیابی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تعاملات اجتماعی (تحکیم و توسعه روابط شهروندی در خیابان‌های شهری: نمونه مورد مطالعه سنندج)، این مقاله با یک تحلیل رگرسیون (چند متغیره) از طریق راهبرد همبستگی و تحلیل مطالعات کمی روشن کرد مؤلفه‌های فردی تأثیر مستقیم بر تعاملات اجتماعی دارند، ضمن اینکه نقش مؤلفه‌های کالبدی و محیط فیزیکی به‌عنوان بستر شکل‌گیری روابط ساده و پیچیده اجتماعی و نقش قابلیت‌های طراحی محیط کالبدی و کیفیت عملکردی فضا در ارتقاء تعاملات اجتماعی تأیید گردید. مدیری وادهمی (۱۳۹۴)، در مطالعه تبیین نقش فضاهای عمومی در ارتباط با سرمایه‌ی اجتماعی (مطالعه موردی؛ شهر آمل)، در این تحقیق بعد کالبدی حاوی شاخص‌ها دسترسی، امنیت، مقیاس انسانی و تعلق خاطر هست بعد اجتماعی نیز متشکل از شاخص‌های تعاملات اجتماعی و تعداد رویدادها یا بعد اجتماعی فضا (فعالیت) است این کار از طریق آزمون همبستگی اسپیرمن و رگرسیون درروش چندجمله‌ای به انجام رسید مشخص شده است بعد کالبدی (فضا) تأثیری مستقیم بر بعد اجتماعی (فعالیت) داشته و درواقع از آن حمایت نموده و زمینه‌ی آن را ایجاد کرده است. قنبران و جعفری (۱۳۹۲)، در پژوهش بررسی عوامل مؤثر بر ارتقاء تعاملات اجتماعی در میان ساکنان محله مسکونی (نمونه موردی: محله درکه - تهران) با استفاده از روش آزمون همبستگی و رگرسیون انجام گرفت نتایج این پژوهش بیانگر آن است که ساختار اجتماعی - سیاسی شهر، ساختار کالبدی - فضایی و حالات روحی - روانی استفاده‌کنندگان از فضا در ارتقاء تعاملات اجتماعی در میان ساکنان درکه تأثیرگذار هست. نادری (۱۳۸۸)، در مطالعه تبیین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در فضاهای عمومی شهر با کاربرد روش تجزیه و تحلیل همبستگی، ابعاد ریخت‌شناسی و عملکردی، اجتماعی و پس‌از آن ابعاد بصری، ادراکی و زمانی را به‌عنوان زیرشاخه‌های مؤثر

معرفی و تعریف می‌کند. نتایج تحقیقات ایجلا^۱ (۲۰۱۲)، پیرامون بررسی خلق سرمایه اجتماعی از طریق اثرات فضای عمومی بر اساس نظریات لفور^۲ و پاتنام^۳ با استفاده از روش تجزیه و تحلیل محتوا نشان داد که جوامعی که دارای فضاهای عمومی و فضاهای باز نمودی بهتری هستند، دارای سرمایه اجتماعی بیشتر هستند و ارتباط چهره به چهره در آن‌ها بیشتر بوده. در تحقیقی دیگر تحت عنوان بررسی بهره‌گیری از ظرفیت‌های سرمایه اجتماعی در فضاهای عمومی بر اساس نظریات جیکوبز^۴ با استفاده از روش تجزیه و تحلیل محتوا بر اساس مشاهدات میدانی، توجه به تعاملات اجتماعی در بستر فضای عمومی و بهره‌گیری از پیوندهای همسایگی در این فضاها، از جمله اصول و معیارهای که به ایجاد ارتباطات محلی کمک می‌کند دانسته می‌شود (PPS, 2012).

مبانی نظری

توسعه درون‌زا (میان افزا)^۵ به دنبال جلوگیری از خزش شهری، ارتقای الگوی توسعه فشرده، حفاظت از فضاهای باز و سبز پیرامون شهرها هست (ام هانی بنی‌هاشمی، ۱۳۹۲: ۴۲). در اساسنامه شهرسازی آن اختلاط کاربری و افزایش تراکم مدنظر بوده است (میر مقتدایی و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۶). در توسعه میان افزا، به دلیل کمبود منابع و برای کاهش هزینه‌های توسعه شهری و ارائه خدمات مطلوب‌تر و درعین حال اقتصادی‌تر (قربانی و جعفری، ۱۳۹۴: ۲۵۳)، مفهوم تراکم با نگرشی جدید مورد مطالعه قرار می‌گیرد و به آن به‌عنوان یک ابزار پرقدرت برای توسعه نگاه می‌شود. تراکم یکی از حوزه‌های مورد تأکید در بعد محتوایی توسعه میان افزا مطرح می‌شود و همچنین راهبرد عمده‌ای برای دستیابی به فشرده‌گی و کاربری کارآمدتر زمین شهری و فعالیت‌ها است (صرافی و همکاران، ۱۳۹۳: ۶۱) تراکم بالا و کاربری زمین یکپارچه نه تنها منابع را حفظ می‌کند بلکه نوعی فشرده‌گی خلق

1. Ijla.

2. Lefebvre.

3. Putnam

4. Jacobs

5. Infill Development

می‌کند که تعامل اجتماعی را ترغیب می‌کند (صرافی و همکاران، ۱۳۹۳: ۶۲). هدف اساسی استفاده از ابزار تراکم در برنامه‌ریزی شهری، تلاش در ایجاد محیطی مطلوب برای ساکنین هست به گونه‌ای که در آن شرایط محیطی، از یک طرف، احساس مطلوبیت که وابسته به رفع نیازهای مختلف آنهاست برایشان فراهم گردد (آلمن^۱، ۱۳۸۲: ۱۹۶)؛ و از سوی دیگر بر این نکته تصریح دارد که یک محیط مطلوب به‌طور یقین مورد استفاده کاربری اجتماعی قرار می‌گیرد (راست بین و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۶). تراکم مفهومی عینی و کمی است که می‌تواند تأثیرات ذهنی و کیفی بر جای بگذارد و طبیعتاً میزان تراکمی می‌تواند مناسب باشد که تأثیرات ذهنی و کیفی مثبتی را به دنبال داشته باشد (رضازاده و همکاران، ۱۳۹۰). چون تراکم بالا ممکن است استرس‌های موجود زندگی و مسائل موجود در روابط بین افراد تشدید کند (Evans, 1992: 166). منتقدان معتقدند که رابطه مثبتی بین تراکم و ازدحام وجود دارد (صرافی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۷۵). تراکم اولین متغیر ضروری در رابطه با احساس ازدحام است. شرط لازم احساس ازدحام است، اما شرط کافی آن نیست (ارژمند و خانی، ۱۳۹۱: ۳۴). تراکم زیاد جمعیت می‌تواند موجب افزایش رفتارهای تهاجمی شده و در صورت استمرار، موجب بروز رفتارهای نامطلوب خواهد شد و به‌ویژه در انسان احساس نامطلوب ازدحام را برمی‌انگیزند (مرتضوی، ۱۳۸۰: ۶۳). بنابراین هرچند تراکم جمعیت در پیدایش احساس ازدحام نقشی اساسی دارد، ولی این احساس پدیده‌ای است ذهنی، زیرا تحت تأثیر عوامل روان‌شناختی از یکسو و عوامل محیطی و فرهنگی از سوی دیگر قرار می‌گیرد. به‌طور خلاصه باید گفت که، احساس ازدحام، هنگامی به انسان دست می‌دهد که تراکم در تأثیر متقابل با عوامل دیگر، موانعی در نیل به اهداف ایجاد کند. (مرتضوی، ۱۳۸۰: ۸۲) و منجر به شکل‌گیری محیط نامطلوب برای زندگی می‌گردد زیرا رفتار اجتماعی انسان و نحوه استفاده افراد از محیط در روند تعامل اجتماعی، برحسب مفاهیم کلیدی خلوت، فضای شخصی، قلمرو و ازدحام بررسی می‌شود (آلمن، ۱۳۸۲). ازدحام به دلیل ربط مستقیم به «فشار اجتماعی» موجب رفتارهای منفی می‌شود (مرتضوی، ۱۳۸۰). در واقع مفهومی است نشان‌دهنده تأثیرات اجتماعی و روانی منفی تراکم هست (رضازاده و همکاران، ۱۳۹۰)؛ که

این «واکنش‌های رفتاری» ممکن است شامل انزوای روانی یا فیزیکی از حضور در اجتماع یا تمایل به آن، تلاش برای تغییر محیط یا تلاش در جهت انطباق با شرایط، تغییر در چگونگی انجام کار یا واکنش‌های مواجهه‌ای در جهت کاهش تعاملات فردی باشد (Gifford, 1997:159).

مدل‌های تشریح شرایط ایجادکننده محیط نامطلوب و احساس ازدحام

چهار مدل تئوریک در جهت تشریح شرایطی که در طی آن احساس ازدحام تجربه می‌شود و مکانیسم‌هایی که از طریق آن‌ها تأثیرات منفی تراکم بالا محاسبه می‌شوند، پیشنهاد گردیده است؛

مدل محدودیت رفتاری^۱

در قالب مدل محدودیت رفتاری، در رابطه با میزان تراکمی صحبت می‌کند که آن میزان تراکم باعث ایجاد محدودیت در احساس آزادی رفتاری فرد بنا بر مقتضیات فضا و نیازها و خواسته‌های فرد می‌شود؛ و به علت این که آزادی فردی را کاهش می‌دهد و باعث محدودیت رفتاری می‌شود نامطلوب تلقی می‌گردد.

مدل کنترل-تراکم^۲

این مدل چنین بیان می‌دارد که تراکمی که محیط را غیرقابل‌پیش‌بینی می‌سازد و امکان کنترل کمتری را بر شرایط و موقعیت به دنبال دارد و امکان دستیابی به خلوت را- که طبق تعریف، نظارت انتخابی بر رابطه فرد یا گروه با دیگران است- تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. به‌عنوان تراکم به وجود آورنده ازدحام ارزیابی می‌شود. با توجه به این مدل، علت نامطبوع بودن احساس ازدحام، کاهش کنترل شخصی بر شرایط و موقعیت است.

^۱ . behavioral constraint model.

^۲ . control-density model

مدل اضافه‌بار - تحریک^۱

این مدل چنین بیان می‌دارد که احساس ازدحام زمانی به وجود می‌آید که تراکم، تحریک بیش از اندازه‌ای را که باعث در هم ریختن سیستم‌های حسی می‌شود به وجود می‌آورد. این امر باعث اضافه‌بار (فشار زیاد) یا تحریک بیش از اندازه سیستم عصبی می‌شود (Evans & Lepore, 1992, 165-6).

مدل تشدید - تراکم^۲

در این مدل، که فریدمن^۳ (1975) آن را نخستین بار مطرح ساخت، مفهوم ازدحام و تراکم به یک معنی به کار می‌روند. این مدل نشان می‌دهد که تراکم بالا ممکن است استرس‌های موجود زندگی و مسائل موجود در روابط بین افراد تشدید کند. البته احتمال زیادی وجود دارد که ترکیباتی از این چهار مدل به‌طور هم‌زمان در هر موقعیت خاص عمل کنند (Evans & Lepore, 1992:166).

از آنجاکه دستیابی به رویکردی جامع‌و مانع برای تعیین عوامل مؤثر بر ایجاد محیط نامطلوب و احساس ازدحام ممکن نیست در پژوهش حاضر بر مبنای مدل‌های بحث شده و با توجه به نتایج حاصل از مطالعات تجربی، سه عامل اساسی در تشریح محیط نامطلوب و احساس ازدحام از اهمیت بیشتری برخوردار شد؛ متغیرهای مربوط به محیط کالبدی، اجتماعی - فرهنگی و سیاسی و ادراک محیطی استنتاج می‌شود، البته ذکر این نکته ضروری است که ارتباط تنگاتنگ و ناگسستگی برخی از عوامل مؤثر، در کیفیت محیطی مطلوب باهم است؛ و هیچ‌یک به تنهایی عمل نمی‌کنند و همپای یکدیگر در ارتقای و توسعه شبکه اجتماعی و تعاملات اجتماعی نقش دارند؛ که بیش از ارائه نحوه کمی سازی هر یک از عوامل مذکور، بسیار خلاصه، پیرامون مفهوم هر یک از کیفیت‌ها توضیحاتی بیان می‌شود:

^۱ . over-load/ arousal model.

^۲ . density-intensity model.

^۳ . Fridman.

متغیرهای مربوط به محیط کالبدی

- منابع؛

وجود منابع کافی (نظیر سرویس‌ها و خدمات، تسهیلات حمل‌ونقل و فضاهای باز) بر کاستن از احساس ازدحام اثر دارد. درجه ناراحتی، رقابت و استرس تولیدشده به‌وسیله تراکم‌های بالا، به نسبت افزایش در کمیت و کیفیت منابع و خدمات در دسترس، نظیر خدمات اجتماعی، پارک‌های عمومی و ... کاهش می‌یابد (Gifford, 1997: 182).

- تعادل بین فضاهای باز و ساخته‌شده در کل محله؛

فضای باز به دلایل مختلف برای ساکنین محله اهمیت دارد. این دلایل ناشی از این حقیقت هستند که فضای باز، فرصت‌هایی را برای انواع خاصی از رفتار و تفریح، برای خلوت‌گزیدن^۱ و در برخی از مکان‌ها برای نشان دادن منزلت اجتماعی و کیفیت زندگی بالاتر، فراهم می‌آورد Churchman, 1999: 406.

- کاربری مختلط؛

مجاورت و نزدیکی کاربری‌های مسکونی با فعالیت‌های تجاری و صنعتی و در کل کاربری‌هایی که با مراجعه‌کنندگان زیاد و سروصدا همراه است، مرتبط با به وجود آمدن احساس ازدحام هست (Churchman, 1999: 406). در صورتی که با بهره‌گیری از فضای سبز و پوشش گیاهی متراکم علاوه بر افزایش زیبایی، نشاط و سرزندگی سبب کاهش آلودگی صوتی و زیست‌محیطی، محیط شد. همچنین تحقیقات نشان داده است که وجود فضاهای سبز یکی از شیوه‌های افزایش ارتباطات و ایجاد نشاط اجتماعی در فضاهای محله‌ای است (Sullivan et al, 2004). مسئله مهم در تأمین فضاهای باز و سبز در سطح محله، میزان زمین اختصاص داده‌شده به آن‌ها نیست بلکه کیفیت این فضاها، نحوه دسترسی و میزان امنیت قابل توجه‌تر هست (Barton et al, 2010: 195).

۱. خلوت را می‌توان نظارت انتخابی بر رابطه فرد یا گروه با دیگران و در واقع توانایی نظارت بر تعامل، در اختیار داشتن حق انتخاب و تمهیدات و سازوکارهای لازم برای جلوگیری از تعامل ناخواسته و دستیابی به رابطه مطلوب تعریف نمود. (آلتنن، ۱۳۸۲، ص ۲۲)

متغیرهای اجتماعی - فرهنگی و سیاسی

- ویژگی افرادی که برای تعامل وجود دارند؛

این مهم است که افرادی که برای تعامل وجود دارند از اقوام هستند یا دوستان، همسایگان؛ غریبه‌ها یا کسانی هستند که احساس می‌شود امکان خطری از برقراری ارتباط با آن‌ها وجود ندارد. اساساً وجود افرادی برای برقراری ارتباط، در کاستن از احساس ازدحام مؤثر است ولیکن نوع آن‌ها، اینکه از اقوام هستند یا غریبه، هم در احساس ازدحام تأثیرگذار هست.

میزان امنیت محیط؛

انسان متناسب با مقام اجتماعی خود فضایی را برای سکونت یا کار خود اختصاص می‌دهد و حدود آن‌ها با دیوار، نرده یا نشانه‌های نمادین دیگر مشخص می‌کند این قلمرو در بردارنده احساس یگانگی روانی با یک مکان است که با رفتارهای مالکانه مشخص و محدود می‌شود و انسان حتی با وضع قوانین خاص، مانع از ورود افراد بیگانه به محدوده‌های خود می‌شود و به روش‌های گوناگون از حدود آن دفاع می‌کند. (مرتضوی، ۱۳۸۰: ۳۶) رفتار قلمروی، از طریق نظارت بر تعامل اجتماعی، رابطه افراد را تسهیل و از این رهگذر از تضاد و ارتباط نادرست اجتماعی جلوگیری می‌کند (آلتن، ۱۳۸۲: ۱۲۹).

- تجانس و عدم تجانس فرهنگی، مذهبی؛

اصولاً مکانیسم‌های فردی و فرهنگی در مواجهه با شرایط پرتراکم وجود دارد. در شرایطی که عدم تجانس وجود دارد ممکن است به علت وجود تفاوت ارزش‌ها و عدم وجود هنجارهای رفتاری مشترک، احساس ازدحام به وجود آید (Churchman, 1999: 408).

- معانی یا عملکردهای پنهان محیط؛

عناصر محیطی ممکن است دارای معانی پنهانی باشند که از لحاظ فرهنگی، بیشتر قابل تشخیص است تا ظاهر آن‌ها. معانی پنهان با ارزش‌ها، تصورات و چشم‌اندازهای نمادین

که ممکن است از جنبه‌های مثبت یا منفی، بدون توجه به تراکم مورد ارزیابی قرار گیرد، مرتبط می‌باشند (Repoport, 1997:63).

ادراک محیطی

از اوایل دهه ۶۰ میلادی، موضوع ادراک محیطی به‌عنوان مبحثی میان‌رشته‌ای مورد توجه قرار گرفته است (فیضی و اسد پور، ۱۳۹۲: ۱۱۰). ادراک فرایند ذهنی است که در طی آن تجارب حسی معنی‌دار می‌شود و از این طریق انسان روابط امور و معانی اشیا را درمی‌یابد (ایروانی و خدا پناهی، ۱۳۷۱: ۲۵). می‌توان گفت که ادراک انسان در مرکز هرگونه رفتار محیطی قرار دارد زیرا منبع تمام اطلاعات محیطی است (مک اندرو^۱، ۱۳۸۷: ۳۶). از این رو فرایند ادراک همواره با شناخت انسان از محیط همراه است. در حقیقت ادراک محیطی از تعامل ادراک حسی و شناخت که در ذهن انسان و روان او تجربه شده‌اند حادث می‌شود (Motalebi, 1998). با توجه به مقدمات بیان شده، درزمینه‌ی معرفی عوامل مؤثر بر ادراک محیطی، مطالعات دامنه‌داری انجام شده است و عوامل پرشماری را بر کیفیت ادراک و دریافت‌های محیطی مؤثر دانسته‌اند؛ که به‌طور مداوم در انسان و رفتار وی تأثیر می‌گذارند و تشکیل‌دهنده روابط اجتماعی است را از دو جنبه قابل‌بررسی می‌داند:

اول- عوامل بیرونی (محیط و کیفیات آن): (نقی زاده و استادی، ۱۳۹۳: ۹). مثل قابلیت‌هایی که مردم نیاز دارند تا به‌گونه‌ای فیزیکی با محیط تعامل پیدا کنند به عبارتی، محیط فضایی باید با ساختار اصلی بیولوژیک انسان سازگاری داشته باشد (دانشگر مقدم و اسلامپور، ۱۳۹۱: ۷۶) به‌طوری‌که شهروندان با عبور از این فضاها، ادراکات حسی مختلفی را در اثر دریافت پیام‌های متنوع، به‌خصوص از طریق دیدن، کسب می‌نمایند (مدیری و نواللهی، ۱۳۹۴: ۷۸)؛ و مردم را در ارتباطی درونی با محیط قرار می‌دهد به‌طوری‌که درک و احساس افراد بامعنای محیط یکپارچه می‌شود. در این سطح قابلیت‌های معماری، واسطه‌ای برای رمزگذاری و رمزگشایی است (دانشگر مقدم و اسلامپور، ۱۳۹۱: ۷۷).

1. Mac Andrew.

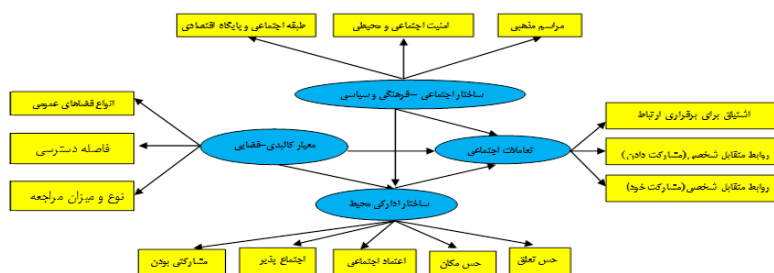
به طوری که اثرات ناشی از آن‌ها را می‌توان در مقولاتی چون هویت، اجتماع‌پذیری، احساس تعلق، به مکان، احساس امنیت، امنیت اجتماعی و... مورد توجه و بررسی قرارداد (آسیایی، ۱۳۸۹).

دوم - عوامل درونی: تعبیر پیچیده‌تر کیفیت محیطی به جنبه‌های روانی، اجتماعی و فرهنگی محیط برمی‌گردد که کمتر قابل‌تعریف و بیشتر متنوع‌اند (تقوایی و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۶). آموس راپاپورت اعتقاد دارد با مطالعه فرهنگ می‌توان به ادراک انسان از محیطی که گرداگرد خود ساخته است پی برد (حیدری و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۱). به گونه‌ای که امکان دارد دو نفر با پیش‌زمینه‌های فرهنگی و ذهنی متفاوت از محیط یکسان، ادراک کاملاً متفاوتی داشته باشند (مرتضوی، ۱۳۸۴: ۱۰). فرهنگ موجب اتحاد و یکپارچگی اعضا محله می‌شود به گونه‌ای که به آن‌ها شیوه رفتار و برقرار کردن ارتباط با یکدیگر را می‌آموزند. به طور کلی متغیرهای نظام فرهنگی تأثیرگذار بر ادراک محیطی شامل: فرهنگ قومیت، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، تجارب حسی، تاریخ و آورده‌های سرزمینی هست. همچنین عوامل بازدارنده‌ی فردی - اجتماعی نیز موجب نوعی گزینش و دفاع ادراکی می‌شود. حساسیت در گزینش ادراکی تحت تأثیر نیاز و ارزش‌های فردی - اجتماعی بیشتر می‌شود (مطلبی، ۱۳۸۰). متغیر فردی دربرگیرنده: سن، جنس، تحصیلات، شغل، زبان باورها، ارزش‌ها و هنجارهای شخصی، آرمان‌ها، بینش و نگرش تجارب معانی ذهنی، خاطرات، خودشناسی؛ هستند.

مواد و روش‌ها

پس از مطالعات کتابخانه‌ای و تحقیقات صاحب‌نظران و پژوهشگران، در نهایت مؤلفه‌های ادراک محیطی، ساختار فرهنگی و اجتماعی - سیاسی و ساختار کالبدی فضا برای ادامه پژوهش در نظر گرفته شد؛ که در شکل (۱) روابط میان متغیرها نشان داده شده است. سوالات تحقیق عبارت است از: اولاً: آیا متغیرهای ساختار اجتماعی - فرهنگی، ساختار کالبدی فضا و ساختار ادراک محیطی بر میزان تعاملات اجتماعی اثر مثبت و معنی‌دار دارند؟

و ثانیاً: آیا ساختار ادراک محیطی در رابطه بین دو متغیر ساختار اجتماعی - فرهنگی و ساختار کالبدی فضا با متغیر میزان تعاملات اجتماعی دارای اثر میانجی است؟



شکل ۱. مدل مفهومی تحقیق

جدول ۱: تعریف عملیاتی هر یک از شاخص‌ها

بخش	زیر بخش	گویه‌ها (نماد)
تعاملات اجتماعی	اشتیاق برای برقراری ارتباط	تمایل برای ارتباط صمیمی و دوستانه با یک آشنا، همسایه؛ بده و بستان شما با همسایگان؛ تمایل شما به صحبت کردن در یک گروهی کوچک از افراد ناآشنا؛
	روابط متقابل شخصی و مشارکت دادن دیگران	امکان دیدار و گفتگو با همسایگان؛ تمایل پیوستن به گروه‌های اجتماعی؛ میزان رضایت از روابط و وضعیت همسایگان خود؛ تمایل به انجام کارهای جمعی و امور خیریه در سطح محله؛
	روابط متقابل شخصیمشارکت (خود)	میزان علاقه شما از دعوت افراد برای انجام کارها؛ میزان گذشت و مدارا شما نسبت به همسایگان خود؛ میزان دیدار و گفتگو با خویشاوندان و نزدیکان؛
ساختار فرهنگی و اجتماعی - سیاسی	طبقه اجتماعی و اقتصادی	میزان سختیت همسایه از لحاظ طبقه اجتماعی - فرهنگی و پایگاه اقتصادی؛
	امنیت اجتماعی و محیطی	میزان مدارا و گذشت ساکنین این محله نسبت به یکدیگر؛ فضاهای ناامن و رهاشده در محله؛ مشاخره و درگیری لفظی در محله؛ تعصبات قومی ساکنین نسبت به یکدیگر؛ میزان تشخیص و شناسایی ورود افراد غریبه به محله

میزان برگزاری مراسم عمومی مذهبی، ملی... در محله؛ میزان شرکت شما در مراسم عمومی مذهبی، ملی و...	مراسم مذهبی	سازگاری کالبدی فضا
ضرورت مکانی برای برگزاری سخنرانی، شب‌شعر، دیدن فیلم (سینمای کوچک) در محله؛ ضرورت مکانی برای ورزش در محیطی نیمه‌باز در محله؛ ضرورت طراحی مکانی برای انجام فعالیت‌های هنری؛ ضرورت مکانی برای مطالعه نظیر کتابخانه؛ ضرورت مکانی برای جمع شدن و انجام فعالیت‌های گروهی و تصمیم‌گیری؛	انواع فضاهای عمومی و پاتوق‌ها در محله	
چگونگی دسترسی و میزان فاصله در صورت پیش‌بینی و ساخت سرای محله؛	فاصله دسترسی	
میزان استفاده و مراجعه در صورت پیش‌بینی و ساخت سرای محله؛ میزان ترجیح شما به همراهی خویشاوندان و دوستان در هنگام مراجعه؛	نوع و میزان مراجعه	ادراک محیط
میزان شناخت شما از همسایگانتان و ارتباط با آن‌ها؛ میزان علاقه به ماندن و سکونت در این محله؛ میزان اثر آن بر شکل‌گیری تعاملات اجتماعی؛	حس تعلق	
اندازه احساس راحتی و آرامش از سکونت در این محله؛ میزان شباهت محله با خانه خودتان؛ میزان اثر ایجاد مکانهای عمومی نظیر سرای محله بر میزان تمایل افراد برای حضور در محله و افزایش تعامل اجتماعی؛	حس مکان	
میزان مکان‌های مناسب برای نشستن، قدم زدن و ملاقات کردن افراد در محله؛ فضاهایی برای انجام فعالیت‌های گروهی و تبادل نظر و تصمیم‌گیری در مورد مسائل اجتماعی، فرهنگی به شکل‌گیری تعاملات اجتماعی؛	اجتماع‌پذیر بودن فضا	
میزان علاقه شما به فعالیت‌های جمعی (تعاونی‌ها، هیئت‌ها...); میزان مشارکت ساکنین در محله در زمینه‌ی کمک‌های مالی - فکری و مشورتی برای اداره محله؛ میزان مشورت و همکاری با سایر اهالی در حل مشکلات محله؛	مشارکتی بودن	
میزان ارتباط با افراد ساکن در محله؛ میزان اعتماد شما به اهالی محله؛ احتمال پیدا شدن وسایل گم‌شده شما در محله؛	اعتماد اجتماعی	

پژوهش حاضر بر مبنای هدف از نوع کاربردی و ازلحاظ نحوه‌ی گردآوری داده‌ها از نوع توصیفی-تحلیلی و همبستگی هست. جامعه آماری در این پژوهش، ساکنین محله اسپه

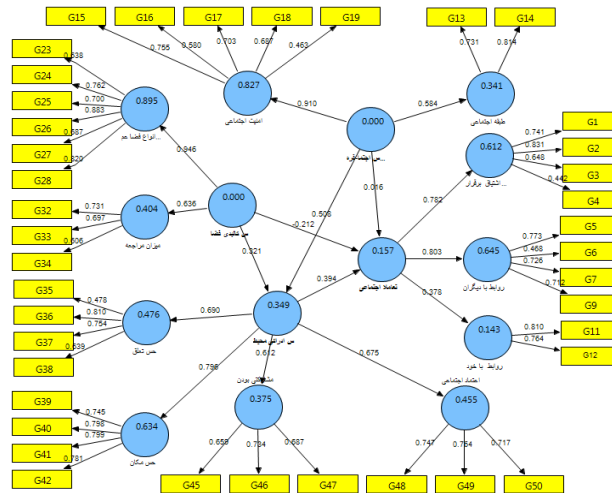
کلا آمل با جمعیتی برابر ۸۱۴۹ نفر (۱۷۷۳ واحد خانوار) سال ۱۳۹۰ که در این محله مستقر می‌باشند. برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده گردید حجم نمونه ۳۶۷ نفر استخراج گردید به جهت اینکه ممکن بود تعداد پرسشنامه به علت عدم تحویل ساکنین یا نقص در پر کردن حذف گردد تعداد بیشتری پرسشنامه در محل توزیع گردید؛ که از این تعداد ۳۷۵ نفر به صورت نمونه‌گیری ساده تصادفی انتخاب شدند. در این راستا پرسشنامه‌ای با ۵۰ سؤال، بر مبنای طیف لیکرت پنج سطحی از خیلی کم (۱) تا خیلی زیاد (۵) تهیه گردید. به منظور تحلیل استنباطی داده‌های جمع‌آوری شده از نرم‌افزار Smart PLS 2 و روش حداقل مربعات جزئی استفاده شده است. مدل‌های PLS در دو مرحله، بررسی مدل بیرونی (مدل اندازه‌گیری) و بررسی مدل درونی (بررسی مدل ساختاری) آزمون می‌گردد.

یافته‌ها و بحث

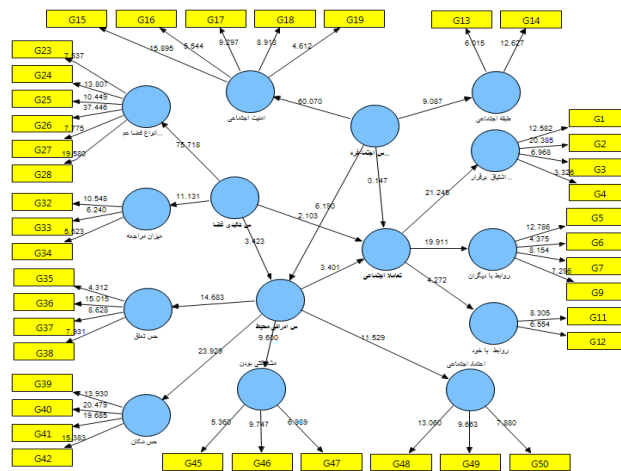
در این بخش به بررسی روایی و پایایی پرسشنامه پرداخته می‌شود. به منظور بررسی روایی ابزار اندازه‌گیری از دو نوع روایی تحت عناوین همگرا و واگرا استفاده می‌شود. روایی همگرا به این اصل برمی‌گردد که شاخص‌های هر سازه با یکدیگر همبستگی میانه‌ای داشته باشند. میزان روایی همگرا از طریق بیشتر از ۰.۵ بودن میانگین واریانس خروجی یا AVE به دست می‌آید. روایی واگرا (افتراقی) نیز از طریق مقایسه جذر AVE با همبستگی بین متغیرهای مکنون سنجیده شده و برای هر یک از سازه‌های انعکاسی، جذر AVE باید بیشتر از همبستگی آن سازه با سایر سازه‌ها در مدل باشد. همچنین در این پژوهش جهت تعیین پایایی از سه معیار ضریب آلفای کرونباخ و ضریب پایایی ترکیبی و همسانی درونی (بار عاملی) استفاده شده است. میزان قابل قبول برای آلفای کرونباخ بیشتر از ۰.۶ و پایایی ترکیبی بیشتر از ۰.۷ می‌باشد. میزان بار عاملی گویه‌ها که به منظور بررسی همسانی درونی مورد استفاده قرار می‌گیرد و مقدار قابل قبول آن بیش از ۰.۴ می‌باشد. با توجه به نتایج، متغیر مراسم مذهبی، اجتماع‌پذیر بودن فضا و فاصله دسترسی که در تحقیقات مشابه متغیرهای مؤثر تشخیص داده شده‌اند در این تحقیق برخلاف انتظار از نظر آماری میزان قابل قبولی به دست نیاوردند. به همین منوال، مربع همبستگی بین مکنون‌های مورد بررسی به صورت دوجه‌دو از میانگین واریانس استخراج شده هر دو مکنون کوچک‌تر بود؛ از این رو ابزار تحقیق از

پس از برازش مدل ساختاری، برازش مدل کلی از طریق شاخص GOF_1 ارزیابی می‌شود. این معیار مربوط به بخش کلی معادلات ساختاری است که توضیحات آن به‌طور خلاصه در جدول فوق آمده است. مقدار GOF برای مدل پژوهش، برابر با ۰.۵۶ می‌باشد که نشان‌دهنده برازش بسیار قوی مدل پژوهش است. پس از برازش مدل اندازه‌گیری، مدل ساختاری و کلی، محقق اجازه می‌یابد که به بررسی و سؤالات تحقیق پرداخته شود. این امر از طریق بررسی دو بخش ضرایب t و ضرایب مسیر (β) صورت می‌گیرد. اگر مقدار آماره t بیشتر از ۱.۹۶ باشد یعنی اثر مثبت و معناداری وجود دارد. اگر بین ۱.۹۶ تا -۱.۹۶ باشد اثر معناداری وجود ندارد و اگر کوچک‌تر از -۱.۹۶ باشد یعنی اثر منفی معناداری دارد.

ضریب مسیر نیز نشان‌دهنده‌ی اثر مستقیم یک سازه بر روی سازه دیگر است. در صورتی که ضرایب مسیر بین متغیرها بیشتر از ۰.۶ باشد بدین معنی است که تأثیر پیش‌بینی‌کننده متغیر پنهان نسبت به متغیر وابسته قوی می‌باشد، اگر این مقدار بین ۰.۶ تا ۰.۳ باشد، میزان تأثیر متوسط و در صورتی کمتر از ۰.۳ باشد ضعیف ارزیابی می‌شود. در زیر نمودار ضرایب مسیر مدل نهایی (β) و مقادیر t نشان‌دهنده تحلیل سؤال‌های پژوهش هست. در پاسخ به سؤال اول تحقیق که آیا متغیرهای ساختار اجتماعی - فرهنگی، ساختار کالبدی فضا و ساختار ادراک محیطی بر میزان تعاملات اجتماعی اثر مثبت و معنی‌دار دارند؟ با توجه به ضرایب مسیر (β) و مقادیر t متناظر با آن، همان‌طور که در شکل (۲) و (۳) مشاهده می‌شود



شکل ۲. ضرایب مسیر مدل نهایی (β)



شکل ۳. مقادیر t مدل نهایی

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که ساختار کالبدی فضا و ساختار ادراکی محیط تأثیر مستقیم و معناداری بر میزان تعاملات اجتماعی دارد ولی ساختار اجتماعی - فرهنگی تأثیر معناداری و مستقیم بر میزان تعاملات اجتماعی مشاهده نگردید. علاوه بر روابط فوق روابط ساختار

اجتماعی - فرهنگی و ساختار کالبدی فضا با میزان تعاملات اجتماعی با میانجی‌گری ادراک محیطی آزمون شد نتایج نشان داد ضریب، مربوط به مسیر بین ساختار اجتماعی - فرهنگی و سیاسی به ساختار ادراکی (۰.۵۰۸) و سپس ساختار کالبدی فضا به ادراک محیطی (۰.۳۲۱) است و بعد آن ضرایب مسیر ساختار ادراکی محیط به میزان تعاملات اجتماعی (۰.۳۹۴) هست بنابراین کلیه ضرایب مسیر، ساختار اجتماعی - فرهنگی و سیاسی، ساختار کالبدی فضا به ادراک محیطی و ضریب مسیر ادراک محیطی به میزان تعاملات اجتماعی معنادار بود در نتیجه نقش میانجی‌گری ادراک محیطی در رابطه با ساختار اجتماعی - فرهنگی و سیاسی و ساختار کالبدی فضا مورد حمایت قرار می‌گیرد.

نتیجه‌گیری

در این تحقیق رابطه مؤلفه‌های ساختار اجتماعی - فرهنگی و سیاسی، ساختار کالبدی فضا و ادراک محیطی با میزان تعاملات اجتماعی در قالب یک مدل مفهومی بررسی شده است که تمامی آن بر اساس تحقیقات گذشته و به منظور تبیین رابطه بین متغیرهای تحقیق، تهیه شده‌اند. در تمامی آن‌ها بیضی‌های توپر، متغیرهای مکنون (پنهان) تحقیق و مستطیل‌ها، متغیرهای مشاهده شده (قابل اندازه‌گیری) تحقیق هستند. نتایج ناشی از اجرای آزمون معناداری t نشان می‌دهد که از کلیه ضرایب مسیر β ، ساختار کالبدی فضا و ساختار ادراکی محیط تأثیر معناداری و مستقیم بر میزان تعاملات اجتماعی داشته است ولی ساختار اجتماعی - فرهنگی تأثیر معناداری بر میزان تعاملات اجتماعی مشاهده نگردید. علاوه روابط فوق آزمون نقش میانجی‌گرانه نیز مهم و اساسی بود که نتایج نشان داد که کلیه ضرایب مسیر، ساختار اجتماعی - فرهنگی و سیاسی، ساختار کالبدی فضا به ادراک محیطی و ضریب مسیر ادراک محیطی به میزان تعاملات اجتماعی معنادار بود. نتایج تحقیق حاضر، با نمونه‌های بیان شده در پیشینه تحقیق محمدی و آیت‌اللهی (۱۳۹۳)، مبنی بر نقش عامل ادراکی و معنایی، تعریف و تسهیل روابط اجتماعی و همچنین نادری (۱۳۸۸) در مورد نقش ابعاد بصری، ادراکی و نیز بهزاد فر و طهماسبی (۱۳۹۲)، در مورد نقش قابلیت‌های طراحی محیط کالبدی و کیفیت عملکردی فضا در ارتقاء تعاملات اجتماعی تأیید گردیده است همسو و همخوان هست همین‌طور الگوی تأیید شده به تأیید و بسط نمونه‌های مطالعه شده دیگر

ایجلا (۲۰۱۲) و پروژه ایجاد فضای عمومی (۲۰۱۲)، پیرامون بررسی خلق سرمایه اجتماعی از طریق اثرات فضای عمومی گزارش شده است کمک می‌کند. قنبران و جعفری (۱۳۹۳) نیز در تحقیق مشابه به این نتیجه رسیدند که بین ابعاد کالبدی فضا و سرمایه اجتماعی رابطه وجود دارد و در افزایش تعاملات اجتماعی مؤثر است. تنها موارد ناهمخوان وجود رابطه بین ساختار اجتماعی-فرهنگی و سیاسی و تعاملات اجتماعی در پژوهش قنبران و جعفری (۱۳۹۳) و همچنین تأثیر متغیر فاصله دسترسی از بعد کالبدی فضا بر سطح سرمایه اجتماعی در تحقیق مدیری وادهمی (۱۳۹۴) که انتظار می‌رفت در این پژوهش تأیید گردد ولی علی‌رغم انتظار همسو نبود شاید یکی از دلایل هم‌خوان نبودن این نتایج، اینکه تحقیقات مشابه، رگرسیون و همبستگی بوده و رابطه ضعیفی گزارش شده و همبستگی ساده به دست آمده یک رابطه خطی است ولیکن در تحقیق حاضر چارچوبی از روابط چندگانه (روابط میان متغیرهای پنهان و آشکار) قابل توجیه است یعنی اینکه در مدل یابی معادلات ساختاری روابط چندین متغیر هم‌زمان مورد بررسی قرار می‌گیرد و روابط سایر متغیرها در وجود روابط دخیل است (عوامل تأثیرگذار بر تعاملات اجتماعی، متعدد و تأثیر آن‌ها پیچیده و حتی متأثر از یکدیگر است) از این رو نتیجه رگرسیون و معادلات ساختاری الزاماً یکی نمی‌شود. به‌طور کلی نتایج این پژوهش با توجه به پرسش پژوهش، در مجموع نشان داد که ادراک محیطی و ساختار کالبدی فضا اثر قابل توجهی بر میزان تعاملات اجتماعی در بین ساکنین محله اسپه کلا شهر آمل داشته است بنابراین در این زمینه ضروری است که برنامه‌ریزی و طراحی محیط مصنوع در سطح محله در نظر گرفته شود.

منابع:

- ارژمند، محمود، خانی، سمیه (۱۳۹۱)، نقش خلوت در معماری خانه ایرانی، *فصلنامه مطالعات شهرایرانی و اسلامی*، شماره ۷، صص ۳۸-۲۷.
- اسلامی، سید غلامرضا، ایروانی، هوتن (۱۳۸۷). تراکم ساختمانی و توسعه‌ی درون‌زا مطالعه موردی: شهر اصفهان. *نشریه هویت شهر*، سال دوم، شماره سوم، صص. ۱۲-۳.
- آسیایی، محمد، (۱۳۸۹)، *درک و بیان محیط شهری*، انتشارات طحان: هله، تهران.
- آلتمن، ایروین (۱۳۸۳). *محیط و رفتار اجتماعی، خلوت، فضای شخصی، قلمرو و ازدحام*، ترجمه دکتر علی نمازیان، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- ایروانی، محمود و خدا پناهی، محمد کریم (۱۳۹۱)، *روانشناسی احساس و ادراک*، تهران، انتشارات سمت.
- بهزاد فر، مصطفی، طهماسبی، ارسلان (۱۳۹۲)، شناسایی و ارزیابی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تعاملات اجتماعی تحکیم و توسعه روابط شهروندی در خیابان‌های شهری (نمونه مورد مطالعه سنندج)، *فصلنامه هنر معماری و شهرسازی* نظر، سال ۱۰، شماره ۲۵، صص ۲۸-۱۷.
- تقوایی، علی‌اکبر، معروفی، سکینه، پهلوان، سمیه (۱۳۹۱)، ارزیابی تأثیر کیفیت محیط شهری بر روابط اجتماعی شهروندان مورد مطالعه: محله آبکوه شهر مشهد. *نشریه نقش جهان*، دوره سوم، شماره اول، صص. ۵۴-۴۳.
- پوراحمد، احمد، ضرغام فرد، مسلم، خادمی، امیرحسین. (۱۳۹۴)، *آمایش شهری با تأکید بر توسعه حمل‌ونقل محور*، تهران، انتشارات موسسه نشر شهر.
- پارسی پور، حسن، ضیاء توانا، محمدحسن (۱۳۹۲)، پست‌مدرنیسم و شهر با تأکید بر الگوها و طرح‌های برنامه‌ریزی شهری. *مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*، سال چهارم، دوره ۱۳، صص. ۷۶-۵۷.
- حیدری، علی کبر، یزدان فر، عباس و بهداد فر، ناز گل (۱۳۹۲)، ارائه مدلی برای تبیین پارامترهای اثرگذار در معنای مکان در محیط‌های آموزشی نمونه موردی: مقایسه معنای مکان در دانشکده‌های معماری و غیر معماری، *نشریه انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران*، شماره پنجم، صص ۶۲-۴۹.

- راست بین، ساجد، جعفری، یاسر، دارم، یاسمن و امیرمحمد، معززی مهر طهران (۱۳۹۱). رابطه همبستگی بین کیفیت‌های محیطی و تداوم حیات شهری در عرضه‌های عمومی (نمونه موردی: جلفای اصفهان). *نشریه باغ نظر*، سال ۹، شماره ۲۱، صص. ۳۵-۴۶.
- رضازاده، راضیه، محمودی، فرزین، رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا و مجتبی، رفیعیان (۱۳۸۹). استفاده از مفهوم تراکم ادراکی در برقراری مطلوبیت محیطی مورد مطالعه: محله اسپه کلا شهر آمل. *مدرس علوم انسانی، برنامه‌ریزی و آمایش فضا*، شماره سوم، صص. ۲۲۷-۲۰۳.
- دادش پور، هاشم، تقوایی، علی‌اکبر، قانع، نرگس (۱۳۹۳). بررسی ظرفیت توسعه میان افزا در فضاهای موقوفه شهری مطالعه موردی: ناحیه ۳ منطقه ۲ شهر یزد. *فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، شماره ۱۵، صص. ۶۳-۷۸.
- دانشگرمقدم، گلرخ، اسلامپور، مرمر (۱۳۹۱)، تحلیل نظریه قابلیت محیط از دیدگاه گیسون و بازخورد آن در مطالعات انسان و محیط انسان ساخت، *نشریه معماری و شهرسازی آرمان شهر*، شماره ۹، صص ۷۳-۸۶.
- داوری، علی و رضازاده، آرش (۱۳۹۵). *مدل‌سازی معادلات ساختاری با نرم‌افزار PLS*، تهران، انتشارت جهاد دانشگاهی.
- سلیمانی مهرنجانی، محمد، تولایی، سیمین، رفیعیان، مجتبی، زنگانه، احمد و فروغ، خزاعی نژاد. (۱۳۹۵). زیست‌پذیری شهری: مفهوم، اصول، ابعاد و شاخص‌ها- *پژوهش‌های جغرافیایی برنامه‌ریزی شهری*، دوره چهارم، شماره ۱، صص. ۲۷-۵۰.
- شریفیان، احسان (۱۳۸۹)، توسعه میان افزا (بهره‌گیری از ظرفیت‌های درونی شهر)، *ماهنامه منظر*، شماره دهم، صص ۴۷-۵۰.
- صرافی، مظفر، توکلی نیا، محمدیان مصمم، حسن. (۱۳۹۳)، *اندیشه‌های نو در برنامه‌ریزی شهری*، تهران، شورای اسلامی شهر تهران.
- قنبران، عبدالحمید، جعفری، مرضیه (۱۳۹۳)، بررسی عوامل مؤثر بر ارتقاء تعاملات اجتماعی در میان ساکنان محله مسکونی (نمونه موردی: محله درکه- تهران)، *نشریه انجمن علمی-پژوهشی معماری و شهرسازی ایران*، شماره ۷، صص ۵۷-۶۴.

- قربانی، رسول، جعفری، فیروز (۱۳۹۴)، بررسی و تحلیل جایگاه تراکم ساختمانی در طرح‌های توسعه شهری شهر تبریز، *نشریه جغرافیا و برنامه‌ریزی*، سال ۱۹، شماره ۵۳، صص ۲۷۶-۲۵۳.
- فیضی، محسن، اسد پور، علی (۱۳۹۲)، ادراک شهروندان از منظر ساختمان‌های بلند شهری نمونه موردی هتل چمران شیراز، *دو فصلنامه معماری ایرانی*، شماره سوم، صص ۱۲۱-۱۰۷.
- کیانی، اکبر، رئیسی، احمد (۱۳۹۶)، بررسی توسعه فیزیکی - کالبدی شهر فوج بر اساس راهبرد رشد هوشمند، *نشریه جغرافیا و برنامه‌ریزی*، شماره ۵۹، صص ۲۸۰-۲۶۳.
- محمدی، محمد، آیت‌اللهی، محمدحسین (۱۳۹۴)، عوامل مؤثر در ارتقای اجتماع‌پذیری بناهای فرهنگی بررسی موردی: فرهنگسرای فرشچیان اصفهان، *دو فصلنامه دانشگاه هنرنامه معماری و شهرسازی*، شماره ۱۵، صص ۹۶-۷۹.
- مرتضوی، شهرناز (۱۳۸۰)، *روان‌شناسی محیط و کاربرد آن*، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- مدیری، آتوسا و نوراللهی اسکویی، نیکو (۱۳۹۴) «ارزیابی ادراک بصری فضایی میدان امام حسین (ع)»، *فصلنامه مطالعات شهری*، شماره ۱۱، صص ۸۶-۷۷.
- مدیری، آتوسا وادهمی، قاسم (۱۳۹۴) «تبیین نقش فضاهای عمومی در ارتباط با سرمایه‌ی اجتماعی» مطالعه موردی: شهر آمل، *فصلنامه مطالعات توسعه‌ی اجتماعی-فرهنگی*، دوره‌ی سوم، شماره چهارم، صص ۱۸۵-۲۱۲.
- مک اندرو، فرانسیس تی (۱۳۸۷)، *روان‌شناسی محیطی*، ترجمه غلام‌رضا محمودی، تهران، زرباف اصل.
- مشکینی، ابوالفضل، مهد نژاد، حافظ، پرهیز، فریاد، (۱۳۹۲)، *الگوهای فرا نوگرایی در برنامه‌ریزی شهری*، تهران، انتشارات امید انقلاب.
- میر مقتدایی، مهتا، رفیعیان، مجتبی، سنگی، الهام. (۱۳۸۹). تأملی بر مفهوم توسعه‌ی میان افزا و ضرورت آن در محلات شهری. *ماهنامه برنامه‌ریزی و مدیریت شهری*، سال ۱۰، شماره ۹۸، صص ۴۴-۵۱.

-نادری، سید مجید، فروزان گهر، حمید و ابافت یگانه، مسعود (۱۳۸۷)، سنجش چارچوب ارزیابی سرمایه اجتماعی در ساختار شهری با تأکید بر نقش فضاهای عمومی، *فصلنامه پژوهش مدیریت شهری*، شماره ۱.

-نسترن، مهین، محمدی، محمود و محقق نسب، عنایت ا... (۱۳۹۶)، تدوین الگوی توسعه پایدار شهری مبتنی بر توسعه مجدد با استفاده از الگوریتم خوشه‌بندی (مورد مطالعه: شهر اراک)، *نشریه جغرافیا و برنامه‌ریزی*، سال ۲۱، شماره ۶۲، صص ۳۰۳-۲۸۱.

-نقی زاده، محمد، استادی، مریم (۱۳۹۳)، مقایسه تطبیقی مفهوم ادراک و فرآیند آن در فلسفه و روان‌شناسی محیط و کاربرد آن در طراحی شهری، *مجله پژوهش‌های معماری*، سال اول، شماره سوم، صص ۱۴-۳.

-بنی‌هاشمی، ام هانی، سرور، رحیم و زیاری، یوسفعلی (۱۳۹۲)، توسعه میان افزا در بافت‌های فرسوده شهری (مورد مطالعه: محله خانی‌آباد تهران)، *فصلنامه جغرافیایی سرزمین*، سال ۱۰، شماره ۴۰، صص ۵۴-۴۱.

-Barton, H. Grant, M & Guise, R(2010). Shaping Neighbourhoods for Local Health and Global Sustainability, 2nd Edition. www.routledge.com

-Churchman, Azra. (1999). Disentangling the concept of density. *Journal of planning literature*. Vol. 13. No. 4. PP. 389-411.

-Evans, Gary, and Stephen Lepore. 1992. Conceptual and analytic issues in crowding research. *Journal of environmental psychology* 12, 1: 163-73.

-Gifford, Robert. (1997). *Environmental psychology: principles and practices*. Boston: Allyn and Bacon.

-Ijla, A. (2012) «Does public space create social capital?», *International Journal of Sociology and Anthropology*, 4(2):48-53.

- Project for Public Spaces (2012) «How “Small Change” Leads to Big Change: Social Capital and Healthy Places», Retrieved June 2013, from PPS Web site: www.pps.org.
- Rapoport, Amos. 1997. The nature and role of neighborhood. *Urban Design Studies* 3: 93-118.
- Sullivan, W.C, F.E, Kuo, S.F, (2004), "The fruit of urban nature", *Environment & Behavior*, 36, pp.678-700.